



تقویت مهارت املانویسی بازخورد توصیفی

مؤلف: بهمن قره‌داغی
ناشر: انتشارات لوتوس (۱۳۹۱-۷۷۰۶۶۱۵۲-۰۲۱)
سال نشر: ۱۳۹۱، چاپ اول
قیمت: ۵۸۰۰ تومان، ۲۰۹ صفحه

درست نوشتن کلمات و واژه‌ها از دغدغه‌های دانش‌آموزان و اولیای خانه و مدرسه است. شاید بعضی افراد به‌زودی بتوانند بر این امر مسلط شوند اما عده‌ای هستند که درست‌نویسی تا آخر عمر برایشان به‌صورت یک مشکل باقی می‌ماند. این جمله بدان معنی نیست که دسته‌ی دوم ناامید از حل مسئله‌شان دیگر برای حل مشکل خود تکاپویی نکنند. بنابراین، کوشش‌هایی که در زمینه‌ی آموزش زبان در نظام آموزشی انجام می‌گیرد، در جهت پرورش ارکان چهارگانه‌ی زبان‌آموزی و شامل شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن است. از عوامل مهمی که سبب می‌شود دانش‌آموز با هر سطحی از هوش و توان، در مسیر یادگیری قرار گیرد، معلمی است که صلاحیت‌های این حرفه را دارد. آن‌چه گفته‌ام، در اهمیت املا و املانویسی بود و این‌که بهمن قره‌داغی در تقویت مهارت املانویسی به‌بازخورد توصیفی پرداخته و آن را در کتابی به همین نام منعکس کرده است. وی کتاب را با هدف تغییر و بازسازی نگرش و عمل معلم در آموزش املا، در سه بخش و به شرح زیر گردآوری و تألیف کرده است:

۱. املا و آموزش روش‌های املانویسی؛
۲. بازخورد توصیفی، چرا؟ چه وقت؟ چگونه؟
۳. مشکل املایی را چگونه بشناسیم؟ چگونه برطرف کنیم؟

قره‌داغی نمونه‌ای از بازخوردهای توصیفی مناسب در ارتباط با دقت در املانویسی را چنین مثال زده است:

● ... واژه‌های زیادی را درست نوشته‌ای. می‌توانی همه‌ی آن‌ها را بشماری.

● ... نشانه‌ی «ت» چند نقطه دارد و با نشانه‌های «ث» و «پ» و «ب» چه فرقی دارد؟ چند واژه در کتاب فارسی پیدا کن که با این نشانه‌ها نوشته می‌شوند.

بهمن قره‌داغی، از کارشناسان خبره‌ی حوزه‌ی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش است که پیش از این مطالبی از وی در رشد آموزش ابتدایی نیز به چاپ رسیده است. با این نویسنده می‌توانید از طریق وب‌نوشت <http://akt1388.persianblog.ir> در ارتباط باشید.

۴. باید مفهوم‌سازی را بیاموزیم؛

بدین معنا که فرد بتواند مشاهدات خود را به‌صورت اموری کلی درآورد و این مستلزم دو عمل است: تجربه و تعمیم. البته تعمیم دادن اگر با دقت همراه نباشد، به سیستم‌های نادرست می‌انجامد. در حقیقت، غالب پیش‌داوری‌های ما نتیجه‌ی تعمیم‌های نابجاست. اگر مفهوم‌سازی درست انجام گیرد، می‌توان امیدوار بود که قضاوت و استدلال درست صورت گیرد و آن زمانی ممکن است که ما دانش‌آموز را به‌صورت عملی و نظری برای تفکر صحیح آماده کنیم، به‌طوری که تناقض نگوید یا قیاس مع‌الفارق را درک کند. به عقیده‌ی من دانش‌آموزان بر همین قیاس تا آخر تحصیل خود، حتی در دانشگاه‌ها چیزی را که آموزش نمی‌بینند یا درست نمی‌آموزند، منطق است، خواه منطق **ارسطو** و خواه منطق جدید که آموختن هر دوی آن‌ها نیاز به کار دارد. این منطق باید در ضمن تدریس به‌تدریج درونی شود؛ به شرط این‌که خود استاد یا خود مؤلف «منطقی» باشد و منطقی بودن یعنی خروج از خود. کسی می‌تواند منطقی باشد و واقعیت را ببیند که از خودبینی و خودگرایی بیرون بیاید که نوعی اجتماعی شدن است و اجتماعی شدن مقدمه‌ی انسان شدن است. البته اجتماعی شدن یا اجتماعی کردن لازم است ولی کافی نیست؛ زیرا فرد باید اجتماعی شود تا انسان شود. گفت‌وگوی تمدن‌ها که امروز در جهان مطرح است، مستلزم تعالی فرد از تفکر اجتماعی (ملی) به سطح انسانی (جهانی) است.

۵. انعطاف‌پذیر باشیم؛ در واقع،

افرادی می‌توانند معرفت حقیقی را به دست بیاورند که از خشکی و تجر، به

هر قیمت که باشد پرهیزند. برای مثال، بدانند که دنیا متحول است. بچه‌ای که مقابل من ایستاده، ممکن است حقیقتی را ببیند که من ندیده‌ام و باید هر دقیقه بتوانم در دانسته‌های خود تجدیدنظر کنم و این حالت مستلزم انعطاف‌پذیری است.

۶. برای گوش دادن به سخن

دیگران آمادگی داشته باشیم؛ ما غالباً به حرف‌ها گوش نمی‌دهیم و در صدد جواب دادن هستیم. گوش مهم‌تر از چشم است؛ به همین دلیل، گوش دادن مقدمه‌ای برای کشف حقایق و معرفت واقعی است. به‌خصوص در روابط انسانی که مسئله‌ی اساسی است و به قول سعدی «علم بی‌عمل، چون درخت بی‌بر است».

۷. هم‌فکری کنیم؛ در جهان کنونی

معرفت بدون تعامل و بدون همکاری و هم‌فکری ممکن نیست. بنابراین، باید به دانش‌آموز یاد دهیم که بتواند و یاد بگیرد، هم رهبر باشد و هم رهرو. این ارتباط متقابل و احترامی که افراد برای یکدیگر قائل‌اند، از لوازم معرفت علمی است که ما را به تفکر صحیح می‌رساند.

۸. آموزش تفکر، آزادی و آزادی

است؛ در حقیقت، آن‌چه زمینه‌ساز تفکر به معنای سازنده‌ی کلمه و ابداع و خلاقیت است، آزادی است. آزاداندیشی و فراهم آوردن آزادی برای شاگرد، تا جایی که بتواند فکر کند، یکی از این شرایط آموزش است. فکر در بند و اسیر، فکر نیست. فکر زمانی فکر می‌شود و به نتیجه می‌رسد که در آزادی صورت گیرد و آزادکننده باشد. بنابراین، باید شاگردان خود را آزاد و آزاد بار آورد.

پی‌نوشت
1. Community of Inquiry